فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق) تابستان ۱۴۰۵ ۲۳(۲) ۱۰۳-۷۰



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه ی اصلی وب سایت مجله:
www.jqe.scu.ac.ir
شاپا الکترونیکی: ۴۲۷۱-۲۷۱۷
شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸

# بررسی اثر سرریز فضایی عوامل نهادی بر کاهش نابرابری درآمدی

اقبال میرزایی *، پروین علی مرادی افشار **، زانا مظفری***

* کارشناسی ارشد اقتصاد گروه اقتصاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان،سنندج، ایران.
** استادیار دانشکده دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان،سنندج، ایران(نویسنده مسئول).
*** استادیار دانشکده دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان،سنندج، ایران.

**اطلاعات مقاله**

***تاریخ دریافت: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳***
***تاریخ بازنگری: ۲۲ شهریور ۱۴۰۳***
***تاریخ پذیرش: ۱۵ فروردین ۱۴۰۴***

**ارتباط با نویسنده مسئول:**
**ایمیل:** pam.afshar@uok.ac.ir
0000-0002-9721-7809

***طبقه‌بندی JEL: C21 C23 D31 D62 O47***

***واژگان کلیدی:***
***عوامل نهادی، نابرابری، اقتصاد سنجی فضایی، رشد اقتصادی***

***آدرس پستی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، کد پستی: ۶۶۱۷۷۱۵۱۷۵.***

**اطلاعات تکمیلی:**

این مقاله برگرفته از پایان نامه ی کارشناسی ارشد آقای اقبال میرزایی تحت راهنمایی دکتر پروین علی مرادی افشار در گروه اقتصاد دانشگاه کردستان است.

**قدردانی**: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.
**تضاد منافع**: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافعی وجود ندارد.
**منابع مالی**: نویسنده‌ها هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

## چکیده

***نابرابری درآمدی می تواند منجر به ناآرامی و بی ثباتی اجتماعی، محدودیت دسترسی به آموزش و فرصت‌ها، تمرکز قدرت در میان ثروتمندان شود و فرآیندهای دموکراتیک را تضعیف کند. اهمیت پرداختن به نابرابری اقتصادی برای ایجاد جامعه ای عادلانه تر، باثبات تر و مرفه ضروری است. کیفیت نهادی بهتر، مانند حقوق مالکیت، ثبات دولت، کنترل فساد، دموکراسی در تضمین کاهش نابرابری در بلندمدت برای همان ناحیه و سایر مناطق مؤثر است. کیفیت عوامل نهادی با تأثیرگذاری در زمینه‌های آزادی بیان و پاسخگو بودن دولت باعث بهبود عملکرد دولت می‌شود. همچنین، رشد اقتصادی می‌تواند رفاه و فرصت‌های شغلی جدید ایجاد می‌کند که باعث افزایش درآمد افراد فقیر می‌شود و انگیزه آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری روی فرزندانشان افزایش می‌دهد و می‌تواند درآمد را دوباره توزیع کند. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی اثر سرریز عوامل نهادی بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب آسیا در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۲۳ با استفاده از الگوی اقتصادسنجی فضایی است. بر اساس نتایج به دست آمده وجود خودهمبستگی فضایی در منطقه تائید می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل نهادی تأثیرات فضایی مثبت و معناداری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر نابرابری در کشورهای مورد بررسی دارند. رشد اقتصادی، ثبات دولت، کنترل فساد، شاخص دموکراسی و توسعه مالی تأثیر مثبت و معناداری بر روی کاهش نابرابری دارند. نتایج تحقیق تأثیرات توسعه مالی کارا در کاهش نابرابری را تائید می‌کند. با تایید تأثیرات فضایی بین کشورهای آسیایی می‌توان به این کشورها پیشنهاد داد که با ایجاد اتحادیه‌ها و برگزاری کنفرانس‌های مشترک در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی می‌تواند به تقویت نهادها، مولفه های مدنی و سیاسی بپردازند.***

**ارجاع به مقاله:**
میرزایی، اقبال.، علی مرادی افشار، پروین.، مظفری، زانا. (۱۴۰۵). بررسی اثر سرریز فضایی عوامل نهادی بر کاهش نابرابری درآمدی. *فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، ۲۳(۲)، ۱۰۳-۷۰
10.22055/jqe.2025.46832.2624

© 2026 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

## ۱- مقدمه

امروزه بیشتر از هر زمان دیگری نابرابری درآمدی در جهان گسترش پیداکرده است. با پیچیده شدن عوامل مؤثر بر متغیرهای اقتصادی راه‌های مقابله با آن‌ها نیز افزایش پیداکرده است. باوجود رشد اقتصادی بسیاری از کشورها، نابرابری درآمدی کاهش چشمگیری نداشته و حتی بیشتر هم شده است که نشان می‌دهد عوامل دیگری به‌جز متغیرهای اقتصادی بر نابرابری درآمدی تأثیرگذار است. ازجمله عوامل مؤثر بر نابرابری کیفیت عوامل نهادی است. عوامل نهادی مؤثر، مانند حکومت شفاف و کارآمد، حقوق

مالکیت و قانون و نظم قوی می‌توانند بهبود قابل‌توجهی در کاهش نابرابری داشته باشند. در شرایط بیماری همه‌گیرCOVID-19 اقتصاد کشورهای فقیر بیشتر آسیب دید، اما حتی با عبور از این پاندمی در سال ۲۰۲۳ نابرابری در جهان روندی افزایشی داشته است و کشورهای مختلف نتوانسته‌اند زیان‌های ناشی از همه‌گیری COVID-19 که باعث تشدید نابرابری درآمدی شده بود را جبران کنند (World bank 2023).

بر اساس گزارش پایگاه درآمد و ثروت جهانی[1] در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶، تقریباً در تمام نقاط جهان نابرابری درآمدی افزایش‌یافته و از سال ۱۹۸۰، یک درصد از ثروتمندترین افراد جهان درآمدشان ۲۷ درصد رشد کرده است. درحالی‌که این میزان برای ۵۰ درصد فقیرترین افراد جهان ۱۲ درصد بوده است. برای یک درصد از ثروتمندترین افراد در کشورهای درحال‌توسعه، این رقم بسیار بیشتر بوده است. در این میان، خاورمیانه و غرب آسیا در افزایش نابرابری پیشتاز است و در سال‌های اخیر جایگاه نابرابرترین منطقه جهان را به خود اختصاص داده است. در خاورمیانه ۱۰ درصد ثروتمندان ۶۴ درصد درآمد ملی را در اختیاردارند که نشان می‌دهد از هر ۱۰۰ دلاری که در آسیا تولید می‌شود ۶۴ دلار به ۱۰ درصد طبقه بالای درآمدی جامعه تعلق می‌گیرد؛ بنابراین آسیا در سال‌های اخیر به مکان نابرابرتری ازلحاظ اقتصادی نسبت به دیگر نقاط جهان تبدیل‌شده است (Alvaredo & Piketty, 2017).

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه، توزیع درآمد بین خانوارها در حال حاضر نابرابرتر از دو دهه پیش است. بر اساس مطالعات و مقایسه آمارها، شکاف درآمدی در منطقه آسیا از دیگر مناطق جهان بیشتر است و طبقه متوسط که به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی و سیاسی از آن یاد می‌شود، در منطقه آسیا پیوسته در حال کوچک شدن است. وضعیت درآمدی ساکنان طبقه متوسط می‌تواند با تحولات سیاسی و اجتماعی آن مرتبط باشد و به‌عنوان عاملی کلیدی در وضعیت ناآرام این طبقه محسوب شود. ازنظر اقتصاددانان، وجود طبقه متوسط برای توسعه سیاسی و اجتماعی و انجام اصلاحات در اقتصاد شرط لازم است و فقدان این طبقه و نابودی آن در آسیا می‌تواند چشم‌انداز اصلاحات و ثبات در کشورهای این منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. از طرفی وجود طبقه متوسط برای پویایی و تکامل اقتصاد از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است (Assouad & Morgan,2018). در دهه اخیر میانگین وزنی جمعیت نابرابری درآمد درون کشوری نشان می‌دهد که نابرابری درآمد در

[1] World Wealth and Income Database

کشورهای توسعه‌یافته ۹ درصد و در کشورهای درحال‌توسعه ۱۱ درصد افزایش‌یافته است.

بنابراین، آسیا دارای ساختار اجتماعی دوگانه است. یک گروه بسیار ثروتمند در بالای هرم و توده بسیار فقیرتری از جمعیت با درآمد ناچیز در سطح پایین هرم طبقاتی وجود دارد. این ساختار منعکس‌کننده کوچک بودن طبقه متوسط است، مطابق داده‌ها سهم درآمدی طبقه متوسط در آسیا به زیر ۳۰ درصد در سال ۲۰۱۸ تنزل کرده است: بدین معنی که از هر ۱۰۰ دلار درآمد کمتر از ۳۰ دلار به طبقه متوسط تعلق می‌گیرد (Lucas & Piketty,2021). از طرفی وضعیت توزیع درآمد در سال‌های اخیر نیز چندان دچار تغییر و تحول مثبت نشده است، بنابراین می‌توان گفت با پدیده مرگ طبقه متوسط در کشورهای آسیا ازجمله ایران مواجه هستیم. افزایش نابرابری باعث ایجاد تهدیدات ساختاری جدید و عمیق شامل تکرار چرخه فقر و نابرابری می‌شود. ازآنجایی‌که چند صد میلیون نفر در این منطقه زندگی می‌کنند، ناامیدی در تأمین نیازهای اساسی افراد و خانواده‌ها، باعث تشدید تضادها و درگیری‌های مسلحانه و آشفتگی در سراسر منطقه می‌شود و درنهایت منجر به ایجاد تنش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خواهد شد.

یکی از راه‌های توزیع برابر درآمد وجود بنیان‌های نهادی و مؤسسات است. پس از نیمه دوم قرن بیستم مطالعات متعددی با توجه به نقش رویکرد نهادی و سیاسی به کاهش نابرابری انجام شده است. بر اساس این مطالعات وجود نهادها و مؤسسات قوی باعث انباشت سرمایه، نوآوری، صرفه‌های ناشی از مقیاس آموزش و درنهایت منجر به رشد اقتصادی می‌شود. نهادها عامل اصلی یا بنیادین رشد و توسعه کشورها هستند (Acemoglu et al, 2005). این دیدگاه منشأ اصلی تفاوت فراوان کشورها در رشد توسعه و رفاه اقتصادی را در ساختارها و بنیان‌های نهادی آن‌ها می‌داند. نهادها با ایجاد یک ساختار باثبات در روابط انسان‌ها منجر به کاهش نا اطمینانی کاهش هزینه‌های مبادلات و افزایش انگیزه‌های افراد می‌شوند. نابرابری درآمدی به یکی از چالش‌های بزرگ جهان تبدیل‌شده است که اکثر کشورهای آسیایی با آن روبه‌رو هستند، هرچند بشر در چند دهه اخیر توانسته به فنّاوری و افزایش بهره‌وری در زمینه‌های تولید برسد؛ اما در زمینه توزیع درآمد باوجود افزایش رشد اقتصادی در این کشورها موفق عمل‌نکرده است. نگرانی در مورد نابرابری درآمدی افزایش‌یافته در بسیاری از کشورهای جهان درحال‌توسعه، نیاز به درک عمیق‌تر نابرابری دارد (uzar, 2023).

این مسئله تأثیر مخرب و گسترده‌ای بر زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان دارد و اهمیت آن ازآنجاست که تأثیرات آن بیشتر از محدوده اقتصادی به حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گسترش‌یافته است. همچنین، نابرابری درآمدی می‌تواند به ناپایداری اقتصادی منجر شود. با کاهش نابرابری، می‌توان به رشد اقتصادی پایدارتر دست‌یافت. مطالعه نابرابری درآمدی می‌تواند در شناخت عوامل نابرابری درآمدی به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌هایی را طراحی کنند که به توزیع عادلانه‌تر درآمدها منجر شود و عدالت اجتماعی را تقویت کند.

با شناسایی عوامل نابرابری، می‌توان به کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی افراد کم‌درآمد کمک کرد. به‌علاوه نابرابری می‌تواند به نارضایتی اجتماعی و ناآرامی‌ها منجر شود. کاهش نابرابری می‌تواند به ثبات اجتماعی کمک کند و در آخر نابرابری درآمدی می‌تواند به تفاوت‌های قابل‌توجهی در دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی منجر شود و با کاهش آن می‌توان به بهبود سلامت و آموزش عمومی دست‌یافت؛ بنابراین، کاهش نابرابری یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی و اجتماعی در جوامع جهانی است و مطالعه عوامل مؤثر بر کاهش نابرابری درآمدی ضروری به نظر می‌رسد. ازاین‌رو، بررسی تأثیر عوامل نهادی بر کاهش نابرابری در کشورهای منتخب آسیا در دوره زمانی ۲۰۲۰-۱۹۹۰ با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی می‌تواند نقش کشورها و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر با در نظر گرفتن سرریز فضایی، رهیافت و تحلیل جدیدی درباره اهمیت مجاورت فضایی و جغرافیایی در کنار تأثیرگذاری عوامل نهادی و دیگر متغیرهای اقتصادی بر نابرابری را در نظر بگیرد. در ادامه ابتدا به توضیح مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام‌شده پرداخته خواهد شد. سپس به معرفی مدل، معرفی متغیرهای پژوهش و روش‌شناسی تحقیق پرداخته‌شده و در بخش بعدی یافته‌های تحقیق موردبررسی قرارگرفته و درنهایت در بخش پایانی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از نتایج تحقیق پرداخته می‌شود.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- اثر عوامل نهادی بر نابرابری

امروزه جهان از هر زمان دیگری ثروتمندتر است و در طول دهه‌های گذشته، به طور متوسط شاخص‌های اقتصادی و رفاهی روند رو به بهبود داشته اند، اما بیش از ۱.۲ میلیارد نفر هنوز در فقر شدید زندگی می‌کنند. یک درصد ثروتمندترین جمعیت جهان حدود چهل درصد از

دارایی‌های جهان را در اختیاردارند، درحالی‌که سهم پنجاه درصد جمعیت جهان بیش از یک درصد مالکیت نیست. در طول دو دهه گذشته، نابرابری درآمد به‌طور متوسط در داخل و بین کشورها در حال افزایش بوده است. درنتیجه، اکثریت قابل‌توجهی از جمعیت جهان در جوامعی زندگی می‌کنند که امروزه نسبت به ۲۰ سال پیش نابرابرتر هستند. نهاد یکی از عوامل مؤثر بر توسعه است که به‌صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طرف متغیرهای مانند بهره‌وری و سرمایه انسانی است. برخی از محققان، نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت توسعه کشورها می‌دانند (ACEMOGLU ET AL, 2005). عوامل نهادی نقش مهمی در شکل‌گیری نابرابری در جوامع و کشورهای مختلف دارند. حکومت‌داری خوب و نهادهای مؤثر که اغلب با حکمرانی خوب همراه هستند، برای توسعه بلندمدت اقتصادی و پیشرفت اجتماعی ضروری هستند. نهادهای اقتصادی نه‌تنها عامل تعیین‌کننده در افزایش رشد اقتصادی یک کشور هستند، بلکه می‌توانند بر نتایج اقتصادی مانند توزیع منابع نقش مؤثر و تعیین‌کننده داشته باشند. یک اقتصاد زمانی موفق است که نهادهای اقتصادی کارا عمل کنند. نهادهای اقتصادی کارا، تضمین‌کننده اجرای حقوق مالکیت، انگیزه سرمایه‌گذاری، نوآوری و شرکت فعالیت‌های اقتصادی هستند (ACEMOGLU ET AL, 2005).

نهادها از کانال های مختلفی بر کاهش نابرابری تاثیرگذار هستند. اولین کانال از طریق کنترل فساد، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، پاسخگویی، کیفیت بوروکراتیک است. مکانیسم تاثیرگذاری به این شکل است که وقتی مؤسسات به‌خوبی کار می‌کنند، می‌توانند با تضمین دسترسی عادلانه به منابع و ارتقای ثبات اقتصادی به کاهش نابرابری کمک کنند (COCCIA, 2021). کشورها تغییرات نهادی را باهدف بهبود اثربخشی حکمرانی و حاکمیت قانون انجام می دهند. تقویت نهادها می‌تواند به کاهش نابرابری کمک کند و باعث توسعه اجتماعی-اقتصادی پایدار شوند (ONGO & SONG,2022). مؤسسات مؤثر با تضمین عدالت، ثبات اقتصادی و دسترسی به منابع به کاهش نابرابری کمک می‌کنند و با کمک به دولت‌ها و سیاست‌گذاران نقش مهمی در شکل‌دهی ارتقای عدالت در جامعه دارند( DAVID & MAGO,2023). مؤسسات و نهادهای ضعیف، فعالیت اقتصادی را غیرمولد می‌کند که می‌تواند رشد بلندمدت را تضعیف کند و نابرابری را افزایش دهد. در مقابل، نهادهای کارآمد جامعه را قادر می‌سازند تا به‌درستی به سمت رشد و توسعه پایدار حرکت کنند. نهادهای ناکارآمد و ضعیف اقتصاد را آسیب‌پذیر می‌کنند و می‌توانند نابرابری درآمدی را توضیح دهند.

کانال دوم از طریق تضعیف حق مالکیت است. نهادگرها استدلال می‌کنند که کیفیت ضعیف مؤسسات، امنیت حقوق مالکیت را به خطر می‌اندازد. این عدم اطمینان در مورد حقوق مالکیت می‌تواند سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش و منجر به کاهش رشد اقتصادی و افزایش نابرابری شود (KNACK & KEEFER, 1997, KNACK & KEEFER, 1997). در کشورهای فاقد نهاد و مؤسسات سیاسی قوانین مرتبط با حق مالکیت تضعیف شده و منجر به کاهش سرمایه گذاری و فرار سرمایه می شود (GUPTA ET AL, 1998). نورث (۱۹۸۱) بیان می‌کند که نهادها قواعد بازی در جامعه هستند و نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در مبادلات اقتصادی و اجتماعی دارند. اقتصاددانان به دلیل نقش مهم تأثیر آن ها بر پدیده‌ها و فعالیت‌های اقتصادی و کاهش عدم اطمینان تاکید دارند (HODGSON, 2006)؛ بنابراین، نابرابری را نمی‌توان فقط به عوامل اقتصادی مرتبط دانست، بلکه با عوامل غیراقتصادی، به‌ویژه کیفیت نهادی، ارتباط غیرقابل‌انکاری دارد و می تواند محیط مناسب را برای افزایش سرمایه گذاری، جذب سرمایه گذاری خارجی و کاهش هزینه های تولید فراهم کند و در نتیجه به توزیع مجدد درآمد از طریق توزیع فرصت ها کمک کند؛ بنابراین، می‌توان دلایل شکست کشورهای درحال‌توسعه در دستیابی به اهداف اقتصادی را در نبود نهادها و مؤسسات در این کشورها توضیح داد (NORTH, 1981: JONES, 1981).

کانال سوم از طریق قانون اساسی آن کشور است. ساختار کلی نهادهاي سیاسی یک کشور قانون اساسی یک کشور را تعیین می‌کند. نهادهاي سیاسی شامل نوع حکومت، قدرت تخصیص داده‌شده و محدودیت‌های اعمال‌شده روي سیاست‌گذاران و نخبگان سیاسی است. نهادهاي اقتصادي (مانند حقوق مالکیت) شکل‌دهنده محیط اقتصادي هستند که افراد و شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند. نهادهاي اقتصادي به‌وسیله نهادهاي سیاسی و به‌طور کلی‌تر به‌وسیله نهادهاي اجتماعی شکل می‌گیرند که در بستر قانون شکل می گیرند (ACEMOGLU ET AL, 2005). ازنظر الینور استروم، برنده جایزه نوبل، نهادهای مناسب حل مشکلات را از طریق اقدام جمعی مؤثر در فضای سیاسی مناسب امکان‌پذیر می‌کنند، درحالی‌که نبود مؤسسات یا نهادهای ضعیف مانع حل مسئله می‌شوند؛ بنابراین، اجرای سیاست‌های کاهش و تعدیل توزیع درآمد و ثروت بین اقشار مختلف جامعه و کاهش نابرابری درآمدی که چالش‌های مهم کشورهای درحال‌توسعه است، از طریق نهادها امکان پذیر است (ALI ET AL,2021).

از دیگر کانال های موثر می توان به نقش نهادهای ضعیف که منجر به ناکارآمدی بازار و تخصیص نادرست منابع اشاره کرد که منجر به زیرساخت‌های فیزیکی نامناسب، سطح پایین

سرمایه انسانی و محدودیت‌های ساختاری و اقتصادی می شود (. ( KNACK & KEEFER 1997 همچنین، در شرایط نبود نهادهای کارامد، ذینفعان فرار مالیاتی و معافیت مالیاتی (درنتیجه فساد) ثروتمندتر می شوند و این به این معنی است که کل بار مالیاتی بر دوش فقرا می‌افتد و نابرابری را تشدید می کند(ANDRES & RAMLOGAN, 2011). بنابراین نهادهاي خوب باعث ایجاد ساختار انگیزشی و افزایش رقابت در بازار می‌شوند که باعث افزایش نوآوری، کاهش نااطمینانی، تشویق کارایی و بنابراین کمک به بهبود عملکرد اقتصادي می‌شود (HACIBEDEL,2024).

همچنین نهادها می‌توانند قوانین سیاسی، اقتصادی و قوانین قراردادها، همچنین، تعاملات غیررسمی مانند هنجارهای رفتاری، نگرش‌ها و حتی فرهنگ یک جامعه شکل دهد. بر اساس دیدگاه نورث، نهادهای رسمی توسط نهادهای غیررسمی جهت‌دهی و شکل می‌گیرند، به‌طورکلی عوامل نهادی رسمی عواملی هستند که به‌صورت رسمی تدوین می‌شوند و نظام اجرای مصوب از قوانین در یک انجمن، جامعه و یا ملت هستند و شامل نهادهای رسمی و قوانین اقتصادی سیاسی می‌باشند (EUNNI, 2010). نهادها انگیزه‌های کلیدی عوامل اقتصادی را تقویت می‌کنند و بر سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی و فنّاوری و بر سازمان‌دهی تولید تأثیر می‌گذارند. اگرچه عوامل فرهنگی و جغرافیایی نیز ممکن است برای عملکرد اقتصادی اثرگذار باشند، اما تفاوت در نهادهای اقتصادی منبع اصلی تفاوت کشورها و میزان موفقیت یک کشور به‌حساب می‌آیند (OSTRY,ET AL 2018). نهادهای ضعیف راه را برای فساد، بی‌ثباتی سیاسی و سایر بی‌نظمی‌هایی که حقوق مالکیت را تضعیف می‌کند هموار می‌کند و درنتیجه باعث افزایش نابرابری درآمدی در این کشورها می‌شود. پروتی (۱۹۹۶) معتقد است که نابرابری درآمد در کشورهای دارای ناآرامی اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی نسبتاً بالا است (CHONG & GRADSTEIN, 2007).

همچنین کیفیت نهادی ضعیف‌تر توزیع درآمد را بدتر می‌کند. کیفیت ضعیف نهادی ناکارآمدی دولت و رفتار فرصت‌طلبانه را تقویت می‌کند که به بخش‌های از بازیگران اقتصادی اجازه می‌دهد ثروت جمع کنند. به‌طورکلی موضوع چگونگی تأثیر نهادها بر توزیع درآمد بحث قابل‌توجه در ادبیات اقتصادی برای بیش از چهار دهه بوده است، زیرا اکثر محققان بر این باورند که شکست اصلاحات اقتصادی ممکن است با حفاظت از منافع نخبگان اقتصادی و اجتماعی به‌جای حمایت از فقرا و محرومان، شرایط سیاسی را به خطر بیندازد ( BATUO & ASONGU, 2015). ضعف عوامل نهادی در کشورهای آسیا باعث رشد فساد اداری، مالیات‌های بالا، محدودیت‌های اعتباری و تشریفات اداری شده است ( WILLIAMS &

(SCHNEIDER, 2016) و نابرابری را افزایش داده است. نبود نهادها و مؤسسات قوی در آسیا می‌تواند سطح نابرابری در این منطقه را توضیح دهد. درواقع، بیشتر کشورهای آسیا ضعف‌های نهادی یا نهادها در آن‌ها وجود دارد، عموماً با درگیری‌های مداوم و سطوح بالای بی‌ثباتی سیاسی و حکمرانی ضعیف روبه‌رو هستند.

### ۲-۲- رابطه رشد اقتصادی و نابرابری

بر اساس ادبیات اقتصادی یکی از عوامل مؤثر بر کاهش نابرابری، رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی، متوسط درآمد را افزایش می‌دهد، می تواند منجر به افزایش یا کاهش نابرابری شود. نابرابری شاخص بارز توسعه‌نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید کرده و موجب کاهش کارایی نیروی کار و درنهایت بهره‌وری اقتصادی می‌گردد (SADEGHI ET AL, 2007). تا زمانی که توزیع ناعادلانه و نابرابری وجود داشته باشد، فقرزدایی مؤثر نخواهد بود. مطالعات متعددی نشان می‌دهند که بدون رشد اقتصادی سریع و پایدار، امید چندانی به کاهش چشمگیر نابرابری وجود ندارد( RODRIK, 2000, ADAMS, 2004, RAVALLION & CHEN, 2007, PANAGARIYA, 2010). حداقل دو قرن پیش با ظهور سرمایه‌داری صنعتی و اقتصاددانان سیاسی مانند آدام اسمیت، کارل مارکس و جان استوارت نظریات اقتصادی توسعه یافت. آنان انباشت سرمایه و تولید را وسیله‌ای برای از بین بردن بدبختی و فقر می‌دانستند. درواقع، عدم رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها در طول دهه ۱۹۹۰ منشأ ناتوانی این کشورها در مبارزه با نابرابری بوده است. اهمیت رشد اقتصادی در این است که مقدمه توسعه اقتصادی است که تضمین‌کننده کاهش نابرابری است که بدونِ رشد اقتصادی مفهومی ندارد (MDINGI, 2023).

به‌طورکلی رشد اقتصادی قدرتمندترین ابزار برای کاهش نابرابری و بهبود کیفیت زندگی در کشورهای درحال‌توسعه است. هم تحقیقات بین کشوری و هم مطالعات موردی کشوری شواهدی را ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد رشد سریع و پایدار برای پیشرفت سریع‌تر به سمت اهداف توسعه حیاتی است. رشد می‌تواند رفاه را افزایش دهد و فرصت‌های جدیدی را ایجاد کند. رشد قوی و فرصت‌های شغلی انگیزه والدین را برای سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندانشان با فرستادن آن‌ها به مدرسه بهبود می‌بخشد؛ بنابراین رشد اقتصادی باعث پیشرفت توسعه انسانی می‌شود که به‌نوبه خود باعث کاهش نابرابری می‌شود (RODRIK, 2007) اما در شرایط مختلف، نرخ‌های رشد متفاوت می‌تواند اثرات بسیار متفاوتی بر نابرابری، داشته باشند. میزانی که رشد اقتصادی نابرابری را کاهش می‌دهد به میزان مشارکت فقرا در فرآیند

سهیم شدن در عواید آن بستگی دارد؛ بنابراین، هم سرعت و هم الگوی رشد اقتصادی برای کاهش نابرابری اهمیت دارد (RODRIK, 2007).همچنین، در مناطق با سریع‌ترین رشد اقتصادی (کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای جنوب آسیا) بیشترین کاهش نابرابری درآمدی گزارش‌شده است .(GROWTH & DEVELOPMENT REPORT, 2008) بررسی نابرابری و عوامل تأثیرگذار بر آن از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد و قابل‌بررسی است. کاهش رشد اقتصادی از طریق مشکلات ساختاری، رکود، بیکاري گسترده، تغییرات جمعیتی و سایر عوامل اجتماعی و اقتصادي مختلف موجب شود منجر به افزایش نابرابری می شود. رشد اقتصادی با کاهش بیکاری، افزایش مراقبت‌های بهداشتی و مستمری، کاهش شوک‌های اقتصادی و افزایش درآمد مالیاتی می‌تواند ثروت را دوباره توزیع کند و نابرابری درآمد را کاهش دهد ( .BERG ET AL,2018).

در مقابل مطالعات تجربی وجود دارد که رشد اقتصادی می‌تواند نابرابری درآمدی را تشدید کند (RAVALLION & CHEN, 2007). با پایان سال‌های رشد سریع دهه ۷۰ و افزایش چشمگیر نابرابری در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، آشکار شد که رابطه رشد با نابرابری همیشه برقرار نیست. به‌عبارت‌دیگر، اگر نابرابری درآمدی به میزان قابل‌توجهی افزایش‌یافته باشد، یعنی ثروتمندان ثروتمندتر شده و درآمد فقرا ثابت و یا کاهش‌یافته باشد، یک کشور می‌تواند بدون هیچ مزیتی برای فقرا نرخ رشد متوسط مستمر و بالا داشته باشد. تأثیر منفی رشد اقتصادی بر نابرابری از مکانیسم‌های مختلف صورت می‌گیرد. اول اینکه رشد اقتصادی اغلب منجر به پیشرفت‌های فنّاورانه و تغییر در تقاضا برای مهارت‌های مختلف می‌شود. با ظهور فن‌آوری‌های جدید، مهارت‌های خاصی ایجاد می‌شوند و کسانی که مهارت‌های مربوطه رادارند از دستمزدهای بالاتر بهره‌مندمی شوند، درحالی‌که دیگران ممکن است با رکود دستمزد یا حتی جابجایی شغل مواجه شوند. درنتیجه، رشد اقتصادی می‌تواند نابرابری درآمد را با افزایش شکاف بین کارگران بامهارت بالا و کارگران کم مهارت تشدید کند. همچنین، رشد اقتصادی می‌تواند شغل ایجاد کند، اما کیفیت این مشاغل مهم است (BRADY,2024).

اگر رشد عمدتاً در بخش‌های کم دستمزد (به‌عنوان‌مثال، کشاورزی، خدمات غیررسمی) رخ دهد، ممکن است منجر به بهبود قابل‌توجهی در رفاه کلی نشود. کانال دیگر سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه مهارت برای رشد فراگیر است. وقتی رشد اقتصادی با دسترسی بهتر به آموزش همراه باشد، می‌تواند نابرابری را با توانمندسازی افراد برای مشارکت در بخش‌های پردرآمد کاهش دهد و دسترسی نابرابر به آموزش باکیفیت می‌تواند نابرابری‌ها را تداوم بخشد. از طرف دیگر رشد اقتصادی به‌طور مساوی در بین مناطق یک کشور توزیع

نمی‌شود. مراکز شهری معمولاً رشد سریع‌تری را تجربه کنند، درحالی‌که مناطق روستایی ممکن است عقب بمانند. پرداختن به نابرابری‌های منطقه‌ای نیازمند سیاست‌های هدفمند است تا اطمینان حاصل شود که رشد به نفع همه جوامع است(BOBZIEN, 2023).

به‌طور خلاصه، رشد اقتصادی می‌تواند نابرابری را تشدید یا کاهش دهد. تاثیرگذاری نهایی به عواملی مانند پویایی بازار کار، آموزش، سیاست‌های اجتماعی و مالکیت دارایی بستگی دارد. سیاست‌گذاران باید بین تقویت رشد و اطمینان از تقسیم عادلانه منافع آن تعادل ایجاد کنند. رشد اقتصادی می‌تواند باعث کاهش فقر شود، اما اثر آن بر نابرابری به شرایط و وضعیت کشورها بستگی دارد. لذا توجه و نگرشی نو به سطوح بالاي نابرابري درآمدي که ویژگی اساسی بسیاري از کشورهای آسیایی است، دارای اهمیت است.

## ۳- پیشینه پژوهش

### ۳-۱- مطالعات داخلی

خداوردی سامانی و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان «سرریز فضایی تمرکززدایی مالی بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۷: رویکرد اقتصادسنجی فضایی»، با استفاده از مدل فضایی SAC به بررسی سرریز فضایی تمرکززدایی مالی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش بر وجود آثار سرریز میان مناطق و انتقال آثار سیاست‌های اقتصادی از یک منطقه به مناطق مجاور تأکید دارد (KHODAVARDI SAMANI ET AL., 2025).

پیرزادی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «آثار محلی و سرریز فضایی شمول مالی بر نابرابری درآمد: یک تحلیل بین‌استانی»، با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی فضایی به بررسی رابطه شمول مالی و نابرابری درآمد پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شمول مالی اثر منفی و معناداری بر ضریب جینی دارد و در برخی الگوهای اقتصادسنجی فضایی، آثار سرریز فضایی آن نیز معنادار است (PIRZADI ET AL., 2024).

قلی‌زاده و عالمی (۱۴۰۲) به بررسی ارتباط بین کیفیت نهادها و حکمرانی خوب با فرار مالیاتی طی دوره زمانی ۹۶-۱۳۵۷، با استفاده از روش علل چندگانه – شاخص چندگانه (MIMIC) پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد تأثیر کیفیت نهادی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت منفی و معنادار بوده و بیانگر آن است که بهبود کیفیت نهادها در ایران طی دوره مورد مطالعه، عاملی در جهت ممانعت از رشد بیشتر اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی است (GHOLIZADEH & AELMI, 2023).

مرادی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی اثر حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد را در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته، با تأکید بر کنترل فساد طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد شاخص‌های حاکمیت قانون و کنترل فساد در هر دو گروه کشورها و در تمام چارک‌ها به ترتیب اثرات منفی و مثبت معناداری بر نابرابری درآمد دارند. همچنین ضریب شاخص ثبات سیاسی نشان می‌دهد که در دو چارک اول در هر دو گروه کشورها، اثر منفی و معناداری بر نابرابری درآمد (ضریب جینی) دارد؛ امری که می‌تواند ناشی از تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاری و تقویت مصرف‌گرایی در شرایط بی‌ثباتی سیاسی باشد (MORADI ET AL., 2023).

بهنژاد (۱۴۰۱) نقش نهادها را در تأثیر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا بررسی کرده است. این مطالعه برای مدل فقر دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۵ و برای نابرابری درآمدی دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۲ را با استفاده از روش پانل آستانه‌ای مورد بررسی قرار داده و کیفیت نهادی را با شاخص کلی حکمرانی خوب بانک جهانی اندازه‌گیری کرده است. نتایج نشان می‌دهد بهبود شرایط نهادی موجب تقویت اثر رشد اقتصادی بر کاهش فقر و نابرابری درآمد می‌شود (BEHNEJAD, 2017).

ایوبی (۱۴۰۱) رابطه بین کیفیت نهادی و رشد اقتصادی را در دو گروه از کشورهای منتخب منطقه منا طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد کیفیت نهادی می‌تواند مانع از اثرگذاری مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی شود و همچنین بهبود کیفیت نهادی، شدت رقابت ناشی از گشایش تجاری را در برخی مناطق کاهش می‌دهد (AYUBI, 2021).

عزیزی و همکاران (۱۴۰۱) رابطه کیفیت نهادی با توسعه مالی را در کشورهای در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۹ با استفاده از داده‌های پانل و روش GMM بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد کیفیت نهادها، سطح بالاتر دموکراسی و حمایت از حقوق مالکیت اثر مثبت و معناداری بر توسعه مالی در کشورهای مورد بررسی دارد (AZIZI ET AL., 2021).

حسینی و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)، تأثیر دموکراسی بر رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی در ایران طی دوره ۱۳۹۷-۱۳۵۰ را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد فرضیه کوزنتس در ایران رد نمی‌شود، اما ورود متغیر دموکراسی موجب کاهش اثر منفی رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد شده و رشد همراه

با گسترش مردم‌سالاری اثر معکوس و معناداری بر نابرابری درآمدی دارد (HOSSEINI ET AL., 2021).

مبارک و همکاران (۱۳۹۸) تأثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۵ با استفاده از مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد شاخص حاکمیت قانون و سایر شاخص‌های کیفیت نهادی، آزادی اقتصادی و سرمایه انسانی در هر دو رژیم اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند (MUBARAK ET AL., 2017).

### ۲-۳- مطالعات خارجی

سزی پانیاک و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی تأثیر عوامل تعیین‌کننده نهادی بر نابرابری درآمد در اندونزی، از سال ۲۰۱۹–۱۹۹۹ بر اساس تکنیک هم‌انباشتگی انگل و گرنجر و مدل خودرگرسیون با وقفه توزیعی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که بهبود عوامل نهادی و آزادی اقتصادی، کنترل فساد، اثربخشی دولت، وجود مقررات و ثبات سیاسی، به‌طور قابل‌توجهی نابرابری درآمد را در دوران اصلاحات در اندونزی کاهش داد (Szczepaniak et al., 2022).

لبیدی و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی سه‌گانه فقر گسترده، رشد اقتصادی و نابرابری درآمد با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری و داده‌های پانلی برای ۵۶ کشور آسیای جنوبی و آفریقای جنوب صحرا از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی دارد. همچنین، بین رشد اقتصادی و فقر گسترده رابطه منفی و معنادار وجود دارد.(Labidi et al., 2022)

ساوادوگو و همکاران (۲۰۲۱)، به بررسی توسعه مالی، نابرابری درآمد و نقش نهادها در جنوب صحرای آفریقا برای ۲۸ کشور بین سال‌های ۲۰۱۶–۲۰۰۴ پرداختند. با استفاده از یک مدل رگرسیون مخلوط محدود، نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در دو سطح از کشورها متفاوت است. همچنین، کشورهایی با کیفیت نهادی بالا در طبقه‌ای قرار می‌گیرند که توسعه مالی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد، اما این اثر برای کشورهای با کیفیت نهادی پایین معنی‌دار نیست. افزون بر این، اگر کشورهای جنوب صحرای آفریقا می‌خواهند از مزایای توسعه مالی بهره‌مند شوند، نیاز به توسعه محیطها و نهادهای دموکراتیک دارند.(Sawadogo & Semedo, 2021)

آدلی و همکاران (۲۰۲۰)، به بررسی تطبیقی سه‌گانه رشد، فقر و نابرابری در کشورهای جنوب صحرای آفریقا و کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب با استفاده از حداقل

مربعات معمولی، اثرات ثابت و سیستم GMM برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که رشد اقتصادی خاصیت کاهش فقر را دارد؛ نرخ رشد نابرابری فقر را تشدید می‌کند و نابرابری نیز تأثیر رشد بر فقر را تشدید می‌کند. همچنین، سه‌گانه رشد–فقر–نابرابری در گروه‌های درآمدی و نمونه‌های منطقه‌ای متفاوت است. ازاین‌رو، نابرابری درآمد یک عامل تعیین‌کننده مهم فقر محسوب می‌شود.(Adeleye et al., 2020)

ژانگ و ناکیر (۲۰۱۹)، توسعه مالی و نابرابری را در ۱۴۳ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته با استفاده از مدل رگرسیون خطی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که چهار بعد از پنج بعد توسعه مالی (دسترسی، عمق، کارایی و ثبات) می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی نابرابری و فقر را کاهش دهد. همچنین، آزادسازی مالی موجب افزایش نابرابری و فقر می‌شود و توسعه بانکداری نسبت به توسعه بازار سهام تأثیر معنادارتری بر توزیع درآمد دارد (Zhang & Naceur, 2019).

### ۳-۳- نوآوری پژوهش

باوجود مطالعات متعدد انجام‌شده درزمینهٔ عوامل مؤثر بر نابرابری، این پژوهش از دو منظر نسبت به دیگر مطالعات انجام شده نوآوری دارد. اول اینکه اثرات سرریز از یک کشور به کشورهای مجاور را مورد بررسی قرار می دهد. با توجه به روند جهانی شدن و توسعه روابط بین کشورها به دلیل کاهش هزینه های حمل و نقل و تسهیل ارتباط از طریق فضای مجازی بررسی اثرات سرریز از یک کشور به کشورهای مجاور دارای اهمیت است و ضروری به نظر می رسد. دوم اینکه در آسیا باوجود منابع و درآمدهای زیاد کشورها، آمارها نشان‌دهنده نابرابری کاهش پیدا نکرده است، بنابراین نشان می دهد به جز عوامل اقتصادی؛ عوامل نهادی هم می تواند نقش تعیین کننده در مقدار نابرابری داشته باشد که با درنظر گرفتن چند متغیر به عنوان شاخص هایی از عوامل نهادی در کنار عوامل اقتصادی به اهمیت نهادها با مولفه های جامع مورد بررسی قرار می دهد.

## ۴- روش تحقیق

در این پژوهش، روش تحقیق از نوع تحلیلی و اقتصادسنجی فضایی است. داده‌های این پژوهش از بانک جهانی و سایت روندهای کلان جمع‌آوری‌شده است. در برآورد مدل داده‌های پانل فضایی ذکر چند نکته ضروری است که اولاً تأثیرات فضایی در محاسبات عواملی هستند که با مکان متغیرها مرتبط هستند. اولین عامل موضوع وابستگی یا خودهمبستگی فضایی بین مشاهدات داده‌های نمونه در نقاط مختلف و عامل دوم، ساختار یا ناهمگونی فضایی که توسط

روابط مدل برای حرکت در صفحه ایجاد می‌شود. مختصات با داده‌های نمونه تغییر می‌کند. برای تشخیص فضایی بودن داده‌ها نیاز به انجام آزمون‌های تشخیص فضایی است، در این مطالعه برای کشور ها که داری ارتباط جغرافیایی هستند، ماتریس وزنی تشکیل می شود. ماتریس وزنی از نوع مجاورت است. ماتریس مجاورت یا همسایگی برای ۱۵ کشور مورد بررسی تشکیل شده است. به این شکل که برای کشورهای مجاور یا همسایه مقدار یک و برای کشورهای غیرمجاور مقدار صفر در نظر گرفته شده است. بنابراین، ماتریس مجاورت یک ماتریس متقارن۱۵*۱۵ با عناصر روی قطر اصلی صفر و عناصر خارج از قطر اصلی صفر و یک می باشد. برای برآورد مدل از نرم‌افزار استاتا استفاده می‌شود.

در داده های پنل با ویژگی های فضایی می‌توان اثرات ثابت و تصادفی را برای مدل در نظر گرفت و با استفاده از آزمون هاسمن فضایی بهترین مدل را از میان مدل‌های SAR،SDM،SAC، SEM و GSPRE انتخاب می‌شود که بر اساس تأثیر فضایی اجزای اخلال یا متغیر وابسته تعریف می‌شوند که در ادامه به طور خلاصه به ان ها اشاره می شود NIK PESIAN, & SHAHBAZI (۲۰۲۳).

الف) مدل خودرگرسیون **(SAR)** یا مدل‌های خودرگرسیون فضایی که به صورت معادله (۱) زیر است:

$$Y_{it} = \rho w_{ij} y_{it} + X_{jit}\,\beta + \mu_i + \varepsilon_{it} \qquad (۱)$$

در این مدل منبع انتشار اثرات تصادفی از طرف متغیر وابسته است. $\varepsilon \sim N(۰, \delta^{۲})$ برداری از متغیرهاست که بیانگر اثرات ثابت یا تصادفی است.

ب) مدل دوربین فضایی **(SDM)** که شکل تعمیم‌یافته مدل SAR است که تأثیر متغیر وزنی بر متغیرهای توضیحی و وابسته بردار اثرات ثابت یا تصادفی را شامل می‌شود. که معادله (۲) آن را به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Y_{it} = \rho w_{ij} y_{it} + X_{jit}\,\beta + \theta W_{ij} Z_{jit} + \mu_i + \varepsilon_{it} \qquad (۲)$$

در معادله فوق $Z_i$ می‌تواند مساوی یا غیرمساوی $X_i$ باشد.

ج) مدل خطای فضایی **(SEM)** که اثرات فضایی از طریق اجزای اخلال توضیح داده می‌شود توجه به خودهمبستگی فضایی اجزای اخلال است. معادله مدل به صورت معادله (۳) زیر است:

$$Y_{it} = X_{jit}\beta + \mu_i + v_{it} \qquad ,v_{it} \lambda M\, v_t + \varepsilon_{it} \qquad (۳)$$

در معادله فوق M یک ماتریس وزنی فضایی است که می‌تواند مساوی یا غیرمساوی W باشد.

د) مدل خودهمبستگی (SAC) که این مدل ترکیبی از مدل‌های SAR و SEM است که به آن SARAR گفته می‌شود. معادله (۴) مدل به صورت زیر است:

$$y_{it} = \rho w_{ij} y_{it} + X_{jit}\,\beta + \mu_i + v_{it} \qquad ,v_{it} = \lambda M\, v_t + \varepsilon_{it} \qquad (۴)$$

در این مدل توجه بر روی اثرات ثابت است مدل اثرات فضایی هم از طریق متغیر وابسته و هم اجزای اخلال توضیح داده می‌شود در این معادله هم M یک ماتریس وزنی فضایی است که می‌تواند مساوی یا غیرمساوی W باشد.

در این پژوهش با برآوردی‌های انجام‌شده مدل SAC انتخاب استفاده‌شده است. برای انتخاب مدل اثرات ثابت و تصادفی می‌توان از آزمون‌های متفاوتی استفاده کرد که هرکدام به نوع دادهای و مدل و نرم‌افزار بستگی خواهند داشت از آزمون هاسمن فضایی و از نرم‌افزار STAT 17 استفاده‌شده است. مدل اولیه در این پژوهش برگرفته از مدل OUECHTATI (۲۰۲۳) به شرح معادله (۵) زیر است:

$$INEG_{it} = a_{\cdot} + a_{۱} Y_{it} + a_{۲} Ins_{it} + a_{۳} FI_{it} + a_4 PG_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۵)$$

که با بسط متغیرهای نهادی معادله (۶) داریم:

$$INEG_{it} = a_{\cdot} + a_{۱} Y_{it} + a_{۲} Cor_{it} + a_3 Law_{it} + a_4 Sta_{it} + a_5 Bur_{it} + a_6 Dem_{it} + a_7 FI_{it} + a_8 PG_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۶)$$

با توجه آزمون های صورت گرفته مدل برآورد شده فضایی به صورت SAC خواهد بود. این مدل ترکیبی از مدل‌های SAR و SEM است که به آن SARAR گفته می‌شود. معادله (۷) مدل به صورت زیر است:

$$y_{it} = \rho w_{ij} y_{it} + X_{jit}\,\beta + \mu_i + v_{it} \qquad ,\varepsilon_{it} = \lambda W\, \varepsilon_t + v_{it} \qquad (۷)$$

در این مدل توجه بر روی اثرات ثابت است مدل اثرات فضایی هم از طریق متغیر وابسته و هم اجزای اخلال توضیح داده می‌شود در این معادله هم M یک ماتریس وزنی فضایی است که می‌تواند مساوی یا غیرمساوی W باشد؛ بنابراین مدل نهایی برآورد شده به صورت معادله (۸) زیر خواهد بود.

$$INEG_{it} = a_. + a_1\rho \sum j\, W_{ij} INEG_{it} + a_2 Y_{it} + a_3 Cor_{it} + a_4 Law_{it} + a_5 Sta_{it} + a_6 Bur_{it} + a_7 Dem_{it} + a_8 FI_{it} + a_9 PG_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۸)$$

که، $\varepsilon_{it} = \lambda W\, \varepsilon_t + v_{it}$

**جدول ۱** به معرفی متغیرهای پژوهش پرداخته است.

**جدول ۱.** معرفی متغیرها
مأخذ: نتایج پژوهش

**Table 1.** Introduction of variables
Source: Research results

| | متغیر | توضیحات |
|---|---|---|
| نابرابری | $INEG_{it}$ | ضریب جینی |
| عوامل نهادی | $Ins_{it}$ | شاخص‌های دموکراسی، کیفیت بوروکراسی، رعایت قانون، ثبات دولت و کنترل فساد |
| رشد اقتصادی | $Y_{it}$ | سرانه نرخ تولید ناخالص داخلی |
| نرخ رشد جمعیت | $PG_{it}$ | نسبت رشد سالانه |
| شاخص توسعه مالی | $\mathrm{PG_{it}}$ | نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی و نسبت اعتبارهای اعطایی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی |

**$INEG_{it}$:** متغیر وابسته که از ضریب جینی که پرکاربرترین شاخص در مطالعات مختلف است، استفاده می‌شود (Kaulihowa & Adjasi, 2017)، $Y_{it}$ سرانه رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی به‌عنوان شاخص رشد اقتصادی،

$Ins_{it}$ عوامل نهادی : متغیرهای عوامل نهادی از پنج متغیر نهادی از پایگاه بین‌المللی ریسک کشوری با استفاده از شاخص‌های دموکراسی، کیفیت بوروکراسی، رعایت قانون، ثبات

دولت و کنترل فساد اندازه‌گیری شده است و متغیرهای کنترل: به ترتیب شامل ،(، نرخ رشد جمعیت ( $PG_{IT}$) و شاخص توسعه مالی($FI_{it}$) می‌شود. همچنین، $\varepsilon$ و V اجزا جز اخلال و T زمان I ویژگی خاص هر کشور است.

### ۱-۴- آمار توصیفی متغیرها

در این بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل دادهها با استفاده از شاخصهای مرکزی همچون میانگین و حداکثر و حداقل، انحراف معیار انجام پذیرفته است. خلاصه وضعیت آمار مربوط به متغیرهای تحقیق در **جدول ۲** برای متغیرها برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۲۰ برآورد شده است.

**جدول ۲.** نتایج آمار توصیفی
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 2.** Results of descriptive statistics
Restriction: Research calculations

| متغیر | تعداد مشاهدات | میانگین | انحراف معیار | حداکثر | حداقل |
|---|---|---|---|---|---|
| $INEG_{it}$ | ۵۱۰ | ۰.۳۴۵ | ۰.۰۵۴ | ۰.۴۶ (امارات، ۲۰۰۴) | ۰.۲۰۵ (تاجیکستان ، ۱۹۹۶) |
| $Y_{it}$ | ۵۱۰ | ۴.۶۳ | ۸.۹۴ | ۲۶.۱۷ (قطر، ۲۰۰۶) | -۳۳ (عراق، ۲۰۰۳) |
| $Cor_{it}$ | ۵۱۰ | ۴۶.۷۰۰ | ۲۷.۱۹۰ | ۹۴.۶۲۴ (امارات، ۲۰۱۹) | ۰.۵۳۴ (عراق، ۱۹۹۶) |
| $Law_{it}$ | ۵۱۰ | ۴۳.۵۰ | ۲۶.۷۶۸ | ۸۸.۴۴۲ (تاجیکستان، ۱۹۹۶) | ۰.۴۸۰ (عراق، ۲۰۰۴) |
| $Sta_{it}$ | ۵۱۰ | ۳۳.۸۲۰ | ۲۴.۶۰۴ | ۹۲.۴۶۲ (قطر، ۲۰۰۳) | ۰.۴۷۳ (عراق، ۲۰۱۰) |
| $Bur_{it}$ | ۵۱۰ | ۲۲.۱۱۰ | ۱۰.۳۵۴ | ۵۹.۲۸۱ ( هند، ۲۰۱۹) | ۰.۰۷۹ (پاکستان، ۱۹۹۸) |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| $Dem_{it}$ | ۵۱۰ | ۴.۹۸۰ | ۱.۶۹۰ | ۸ (پاکستان، ۲۰۱۹) | ۳ (ترکیه، ۲۰۰۳) |
| $PG_{it}$ | ۵۱۰ | ۲.۸۷۶ | ۱.۹۷۸ | ۱۹.۳۶۰ (امارات، ۲۰۱۹) | -۵.۲۸۰ (کویت، ۲۰۱۲) |
| $FI_{it}$ | ۵۱۰ | ۲۵.۰۵۹ | ۱۹.۹۴۵ | ۷۱.۹۲۱ (تاجیکستان، ۲۰۰۶) | ۰.۴۶۹ (ازبکستان، ۲۰۱۰) |

## ۴-۲- آزمون‌های تشخیصی

### الف: آزمون مانایی:

برای اجتناب از روند تصادفی و رگرسیون کاذب میان متغیرها آزمون مانایی صورت گرفته است و نتایج در **جدول ۳** نمایش داده‌شده است که تمامی متغیرها در سطح ۰.۰۱ و ۰.۰۵ درصد مانا هستند: بنابراین در این تحقیق از متغیرهای اصلی بدون هیچ تغییری در مدل استفاده‌شده است.

**جدول ۳.** نتایج آزمون مانایی داده‌ها
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 3.** Results of the data stationarity test
Source: Research calculations

| متغیر | آزمون | آزمون مانایی متغیرهای در سطح | |
|---|---|---|---|
| | | مقدارِآماره | احتمال |
| $Y_{it}$ | LLC | -۳/۱۳ | ۰.۰۰۰۳ |
| $Cor_{it}$ | LLC | -۳.۱۸ | ۰.۰۰۰۷ |
| $Law_{it}$ | LLC | -۴.۳۵ | ۰.۰۰۰۰ |
| $Sta_{it}$ | LLC | -۱.۸۴ | ۰.۰۳۲۳ |
| $Bur_{it}$ | LLC | -۳.۰۴ | ۰.۰۲۰۲ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| $Dem_{it}$ | LLC | -۳.۳۵ | ۰.۰۰۰۴ |
| $INEG_{it}$ | LLC | -۳.۱۶ | ۰.۰۰۰۸ |
| $PG_{it}$ | LLC | ۲.۴۴- | ۰.۰۰۷۳ |
| $FI_{it}$ | LLC | ۳.۱۸- | ۰.۰۰۰۷ |

## ب: آزمون ماتریس همبستگی متغیرها

قبل از تخمین مدل، به‌منظور درک بهتر ارتباط بین متغیرها، ماتریس همبستگی متغیرها برای در **جدول ٤** محاسبه‌شده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده همبستگی بالای در بین متغیرها مشاهده نمی‌کنیم. مشکل هم خطی بودن وجود ندارد.

**جدول ۴.** نتایج ماتریس همبستگی متغیرها
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 4.** Results of the correlation matrix of variables
Source: Research calculations

| متغیره | $INEG$ | $Y_{it}$ | $Cor_{it}$ | $Law_{it}$ | $Sta_{it}$ | $Bur_{it}$ | $Dem_{it}$ | $Fi_{it}$ | $Pog_{it}$ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| $INEG$ | ۱ | | | | | | | | |
| $Y_{it}$ | -۰.۳۵ | ۱ | | | | | | | |
| $Cor_{it}$ | -۰.۰۶ | ۰.۲۵ | ۱ | | | | | | |
| $Law_{it}$ | ۰.۰۵ | ۰.۰۴ | -۰.۰۲ | ۱ | | | | | |
| $Sta_{it}$ | -۰.۲۲ | ۰.۲۴ | -۰.۰۹ | ۰.۰۲ | ۱ | | | | |
| $Bur_{it}$ | ۰.۰۷ | ۰.۰۴ | -۰.۰۸ | ۰.۰۵ | ۰.۰۳ | ۱ | | | |
| $Dem_{it}$ | -۰.۰۹ | -۰.۱۷ | -۰.۳۱ | -۰.۲۹ | ۰.۰۴ | ۰.۲۸ | ۱ | | |
| $Fi_{it}$ | ۰.۲۰ | ۰.۰۱ | ۰.۰۷ | ۰.۱۸ | ۰.۰۵ | -۰.۱۰ | -۰.۳۳ | ۱ | |
| $Pog_{it}$ | ۰۰.۰۲ | ۰.۰۴ | -۰.۰۰ | ۰.۲۴ | ۰.۱۳ | -۰.۳۷ | -۰.۱۷ | ۰.۲۵ | ۱ |

### ج: آزمون موران

فرضیه صفر این آزمون بیان‌کننده نبود خودهمبستگی فضایی در بین اجزاء اخلال می‌باشد. اگر نتایج آزمون معنادار باشد خودهمبستگی فضایی در بین اجزاء اخلال تائید می‌شود.

**جدول ۵.** تایج آزمون موران
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 5.** Results of the Moran test
Source: Research calculations

| - | آزمون | مقدارآماره | احتمال |
|---|---|---|---|
| آزمون‌موران | LRT | ۲۴.۰۳ | ۰.۰۰۳ |

نتایج آزمون موران در **جدول ۵** حاکی از رد فرضیه صفر است و نشان دهند تائید وجود خودهمبستگی فضایی در منطقه است. پس می‌توان از اقتصادسنجی فضایی استفاده کرد.

### د: آزمون والد و خطای فضایی

برای انتخاب بهترین مدل بین مدل‌های SAR و SDM و SEM و SAC از این آزمون استفاده می‌کنیم. نتایج آزمون به‌صورت **جدول ٦** زیر است:

**جدول ۶.** آزمون والد و خطای فضایی انتخاب بین مدل SAR و SDM و SEM
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 6.** Wald test and spatial error for selecting between SAR, SDM, and SEM models
Source: Research calculations

| آزمون | مدل‌ها | مقدار آماره | احتمال |
|---|---|---|---|
| والد | SAR,SDM* | ۲۲.۲۶ | ۰.۰۰۰۰ |
| خطای فضایی | SEM,SDM* | ۱۷.۲۵ | ۰.۰۰۰۲ |
| آزمون‌هاسمن فضایی | - | ۲۴.۶۲ | ۰.۰۰۷۶ |

همان‌طور که در **جدول ٦** مشاهده می‌شود نتایج آزمون نشان می‌دهند فرضیه صفر مبنی بر مناسب بود مدل SAR و SEM رد می‌شود و مدل SDM پذیرفته می‌شود. برای انتخاب بین SDM و SAC از آماره آکائیک استفاده می‌کنیم بهترین مدل انتخابی الگویی خواهد بود

که از کمترین میزان معیار اطلاعات برخوردار باشد. باتوجه به نتایج آزمون‌هاسمن فضایی، مدل رگرسیون از نوع داده‌های پانل با اثرات ثابت است که در **جدول ۷** مشخص است.

**جدول ۷.** نتایج آزمون AIC
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 7.** Results of the AIC test
Source: Research calculations

| - | SDM | SAC |
|---|---|---|
| AICآزمون | ۳۴.۶ | *۲۰.۶ |

با توجه به نتایجی که به‌دست‌آمده است مدل SAC فضایی از بین سایر الگوهای فضایی انتخاب می‌شود.

## ۵- برآورد مدل

در این قسمت نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش با استفاده از نرم‌افزار STATA ارائه خواهد شد. انجام مطالعات در زمینه‌ای که مربوط به داده‌های مکانی و منطقه‌ای است و محقق با مراجعه به محل یا شیوه‌های نقطه‌یابی در فضا داده‌ها را استخراج می‌کند زمانی که با داده‌های که مربوط به مکان و موقعیت جغرافیایی است به کار بردن اقتصادسنجی معمول کاربرد ندارد. به دلیل وابستگی فضایی، مدل‌سازی این در بعد فضا صورت گرفته به همین دلیل از مدل پانل فضایی SAC، استفاده می‌کنیم. برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی آزمون هاسمن فضایی صورت گرفته و نتایج به‌دست‌آمده بیان‌کننده کارایی بیشتر اثرات ثابت نسبت به اثرات تصادفی است بنابراین به بررسی اثرات ثابت می‌پردازیم و نتایج این مدل در **جدول ۸** برآورد شده است.

**جدول ۸.** تخمین مدل اثرات ثابت SAC
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 8.** Estimation of the SAC fixed effects model
Source: Research calculations

| متغیر | ضرایب | zآماره | P-VALUEمقدار |
|---|---|---|---|
| $Y_{it}$ | -۰.۲۹۲ | ۳.۹۷ | ۰.۰۰۰ |
| $Cor_{it}$ | -۰.۰۵۷ | ۱.۸۱ | ۰.۰۷۰ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| $Law_{it}$ | ۰.۰۱۶ | ۰.۳۳ | ۰.۷۳۹ |
| $Sta_{it}$ | -۰.۱۱۲ | ۲.۷۴ | ۰.۰۰۶ |
| $Bur_{it}$ | ۰.۰۹۰ | ۱.۰۵ | ۰.۲۹۲ |
| $Dem_{it}$ | -۰.۱۲۰ | ۲.۱۴ | ۰.۰۳۲ |
| $Fi_{it}$ | -۰.۰۷۷ | ۲.۶۸ | ۰.۰۰۷ |
| $Pog_{it}$ | ۰.۰۴۳ | ۲.۵۷ | ۰.۰۱۰ |
| $R^2$ | ۰.۴۹ | - | - |

نتایج در **جدول ۸** مشاهده می‌شود که مقدار $R^2$ برابر با ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل توضیح است و ۵۱ درصد آن را اجزای دیگر توضیح می‌دهند که جزاخلال است.

نتایج **جدول ۸** نشان می‌دهد که به‌جز دو متغیر رعایت قانون و کنترل فساد بقیه متغیرها در سطح معناداری قابل تحلیل هستند رشد اقتصادی، شاخص توسعه مالی و عوامل نهادی هم به‌جز رعایت قانون و دموکراسی دارای اثر منفی و معنادار است و باعث کاهش نابرابری می شود. همچنین، نرخ رشد جمعیت اثر مثبت و معنادار بوده و باعث افزایش ضریب جینی(نابرابری) می‌شود. همچنین باتوجه به ضریب rho در **جدول ۹** می‌تواند اطلاعات مفیدی در خصوص مدل بدهد. درواقع با توجه به این ضریب این نتیجه را می‌توان گرفت که داده‌های وزنی از خود واکنش نشان داده و معنی‌دار هستند یا خیر: درواقع معناداری این آماره بیانگر این است که محل انتشار اثرات فضایی از متغیر وابسته و هم اجزای اخلال ناشی می‌شود . مقدارrho به‌دست‌آمده برابر ۰.۲ است که عدد بالایی است و نشان می‌دهد کنار هم قرار گرفتن کشورهای با نابرابری بالا می تواند هم افزایی داشته باشند و مجاورت کشورهای با نابرابری بالا و اثرات سرریز فضایی منجر به تشدید نابرابری می شود.

**جدول ۹.** نتایج اثرات فضایی RHO
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 9.** Results of the spatial effects RHO
Source: Research calculations

| | حالت فضایی | مقدار | ضریب |
|---|---|---|---|
| آزمون | RHO | ۰.۲۳۰ | ۰.۰۰۸ |

## ۱-۵- نتایج برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل

در مدل فضایی، می‌توان اثرات مستقیم و اثرات غیرمستقیم و اثر کل رو تفکیک کرد به عبارتی از طریق اثرات مستقیم و غیرمستقیم می‌توان پارامترهای رگرسیون خطی را تفسیر کرد (عسکری و شفیعی ۱۳۹۵). اثر مستقیم نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای مستقل در خود آن کشور و سرریزهای فضایی درون کشوری است به‌طورکلی مشتق جزئي متغیر وابسته هر کشور نسبت به متغیرهای مستقل همان کشور است. اثرات غیرمستقیم از تفاوت اثر کل و اثر مستقیم به دست می‌آید که اثرات تغیر متغیرهای توضیحی در یک کشور نسبت به دیگر کشورهای منطقه نشان می‌دهد اثرات سرریز فضایی سایر کشورها است. اثر کل مشتق جزئی متغیر وابسته به میانگین وزنی متغیر توضیحی است. نتایج برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل در **جدول ۱۰** ارائه‌شده است.

**جدول ۱۰.** نتایج اثرات مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل
مأخذ: محاسبات پژوهش

**Table 10.** Results of direct and indirect effects and total effect
Source: Research calculations

| متغیر | اثرات مستقیم | | | اثرات غیرمستقیم | | | اثر کل | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| - | ضرایب | z | P>[Z] | ضرایب | z | P>[Z] | ضرایب | z | P>[Z] |
| $Y_{it}$ | -۰.۵۲۶ | ۲.۸۹ | ۰.۰۰۴ | -۰.۳۸۴ | ۳.۶۸ | ۰.۰۰۰ | -۰.۹۱۱ | ۲.۷۶ | ۰.۰۰۶ |
| $Cor_{it}$ | -۰.۰۵۹ | ۲.۷۴ | ۰.۰۰۶ | -۰.۰۳۹ | ۲.۶۲ | ۰.۰۰۹ | -۰.۰۹۸ | ۲.۵۸ | ۰.۰۱۰ |
| $Law_{it}$ | ۰.۰۲۵ | ۰.۷۴ | ۰.۶۹۰ | ۰.۰۰۶ | ۰.۵۳ | ۰.۵۹۷ | ۰.۰۳۱ | ۱.۱۶ | ۰.۲۴۴ |

| | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| $Sta_{it}$ | ۰.۱۳۱ | ۰.۲۴ | ۰.۸۰۸ | -۰.۱۱۹ | ۲.۳۸ | ۰.۰۱۷ | -۰.۰۱۲ | ۱.۸۱ | ۰.۰۷۰ |
| $Bur_{it}$ | -۰.۰۲۶ | ۰.۷۴ | ۰.۴۶۲ | -۰.۰۱۱ | ۰.۲۷ | ۰.۰۸۰۸ | -۰.۰۳۸ | ۱.۹۱ | ۰.۰۵۵ |
| $Dem_{it}$ | -۰.۰۵۷ | ۴.۷۱ | ۰.۰۰۰ | -۰.۰۴۰ | ۲.۷۸ | ۰.۰۰۵ | -۰.۰۹۸ | ۲.۹۹ | ۰.۰۰۳ |
| $Fi_{it}$ | -۰.۰۴۰ | ۲.۵۰ | ۰.۰۱۳ | ۰.۰۰۳ | ۱.۴۳ | ۰.۱۵۲ | -۰.۰۳۷ | ۲.۰۹ | ۰.۰۳۷ |
| $Pog_{it}$ | ۰.۰۱۹ | ۰.۷۵ | ۰.۶۹۰ | ۰.۰۱۰ | ۰.۷۴ | ۰.۴۵۸ | ۰.۰۳۰ | ۰.۴۹ | ۰.۶۲۷ |

نتایج نشان می‌دهد که عوامل نهادی به‌صورت فضایی باعث کاهش نابرابری در کشورهای منتخب آسیا می‌شود. متغیرهای عوامل نهادی هم از پنج متغیر مطرح‌شده در نتایج اثر مستقیم سه متغیر اثر منفی و معناداری دارند که نتایج اثر مستقیم متغیر کنترل فساد نشان دهند آن است که با افزایش یک درصدی به میزان (۰.۰۵) درصد تأثیر مثبت بر کاهش نابرابری آن ناحیه دارد. نتایج اثر غیرمستقیم آن منفی و معنادار است که حاکی از اثر خارجی مثبت بر کاهش نابرابری دیگر کشورها دارد. اثر کل کنترل فساد منفی و معنادار است. یکی دیگر از متغیرهای عوامل نهادی رعایت قانون است که نتایج اثر مستقیم و غیرمستقیم و آن مثبت ولی بی‌معنی است. نتایج اثر مستقیم متغیر ثبات دولت منفی و معنادار است و با افزایش یک‌درصدی به میزان (۰.۱۳) درصد تأثیر مثبت بر کاهش نابرابری همان ناحیه دارد. نتایج اثر غیرمستقیم آن منفی و معنادار است که حاکی از اثر خارجی مثبت بر کاهش نابرابری دیگر کشورها دارد. اثر کل آن نیز منفی و معنادار است. نتایج اثر مستقیم و غیرمستقیم و متغیر شاخص بروکراسی مثبت و بی‌معنی است. نتایج اثر مستقیم شاخص دموکراسی منفی و معنادار است و با افزایش یک‌درصدی به میزان (۰.۰۵) درصد تأثیر مثبت بر کاهش نابرابری همان ناحیه دارد.

نتایج اثر غیرمستقیم آن منفی و معنادار است که حاکی از اثر خارجی مثبت بر کاهش نابرابری دیگر کشورها دارد اثر کل آن نیز منفی و معنادار است. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که عوامل نهادی که از پنج شاخص شامل شاخص دموکراسی، کیفیت بوروکراسی، رعایت قانون، ثبات دولت و کنترل فساد است. ثبات دولت و کنترل فساد و شاخص دموکراسی تأثیر مثبت و معناداری بر روی کاهش نابرابری دارند. نتایج اثرات سرریز نیز معنادار است؛

یعنی بهبود کیفت عوامل نهادی (کنترل فساد، ثبات دولت، شاخص دموکراسی) بر خود ناحیه و دیگر نواحی اثر سرریز دارد. نهادها می‌توانند باعث ساختارمند شدن انگیزه در مبادلات شوند چه مبادلات سیاسی باشد یا اقتصادی و اجتماعی. نهادها نقش مهمی در توزیع منابع اقتصادی دارند. ازجمله راهکارهاي نهادي کاهش نابرابری مي‌توان توجه به نقش سازمان‌هاي مردم‌نهاد، بهبود سرمایه اجتماعی، اصلاح نهادهاي عمومي نظير: اصلاح قوانين اداري، تمرکززدايي، مشارکت شهروندي وسيع‌تر، بهبود چارچوب قانوني و... اشاره کرد. شاخص بی‌اعتمادی به حکومت و نهادهای آن در جوامع نابرابر بسیار بالا است، به این معنا که در کشوری که نابرابری شدید است افراد کم‌درآمد کمتر احتمال دارد که از ترس شرم یا خجالت به جامعه خود کمک کنند یا از جامعه کمک بخواهند که این موضوع در بلندمدت فاجعه‌بار است.

به‌طورکلی می‌توان نقش مثبت کیفت عوامل نهادی در کاهش نابرابری را مثبت برآورد کرد که با نتایج (CHECCHI ET AT, 2008: SZCZEPANIAK ET AL, 2022: UNDESA WORLD SOCIAL REPORT, 2020: KOUADIO & GAKPA, 2021: GHAFFARI, 2013: AYUBI, 2021: AZIZI ET AL. 2021) مطابقت دارد. همچنین، رشد اقتصادی باعث کاهش نابرابری در کشورهای منتخب آسیا می‌شود. اثر مستقیم رشد اقتصادی به ازای افزایش ده درصد به میزان (۰.۵۲) درصد اثر مثبت بر کاهش نابرابری (ضریب جینی) در همان ناحیه دارد و نتایج اثر غیرمستقیم رشد اقتصادی نیز با توجه به معنادار و منفی بودن آن حاکی از اثر خارجی مثبت بر کاهش نابرابری سایر کشورها دارد. اثر کل رشد اقتصادی هم منفی و معنادار است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کاهش نابرابری دارد. اثرات سرریز رشد اقتصادی مثبت و معنادار است. رشد اقتصادی درآمد کل جامعه را افزایش می‌دهد و شغل و درآمد و فرصت بیشتری ایجاد می‌کند که می‌تواند دوباره توزیع شود. رشد اقتصادی باعث می‌شود دولت‌ها سرمایه‌گذاری‌های خود را درزمینهٔ مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی افزایش دهد که می‌تواند مهارت و سلامت و بهره‌وری را افزایش دهد. هرچند با رشد اقتصادی سهم گروه با درآمد بالاتر از این رشد بیشتر است ولی تأثیرات مثبتی نیز برای گروه‌های با درآمد پایین دارد. دسترسی به منابع مالی و اعتباری می‌تواند افزایش یابد.

با تحقیقاتی که صورت گرفته رابطه رشد اقتصادی و نابرابری پیچیده بوده است. در این تحقیق نتایج مثبتی برآورد شده است که با نتایج تحقیقات (KOUADIO & GAKPA, 2021: RUBIN & SEGAL, 2015: OLAOYE, 2022 LABIDI,2022: GROWTH AND DEVELOPMENT REPORT, 2008: RODRIK, 2000) مطابقت دارد. توسعه مالی و نرخ

رشد جمعیت باعث کاهش نابرابری در کشورهای منتخب آسیا می‌شود. نتایج اثر مستقیم شاخص توسعه مالی منفی و معنادار شده است با افزایش ده درصدی به میزان (۰.۰۴) درصد تأثیر مثبت این متغیر بر کاهش نابرابری در همان ناحیه دارد. اثر غیرمستقیم آن نیز مثبت ولی بی‌معنی است نتایج اثر مستقیم نرخ رشد جمعیت مثبت و بی‌معنی شده است اثر غیرمستقیم آن نیز مثبت و بی‌معنی است اثر کل هم مثبت ولی بی‌معنی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توسعه مالی تأثیر مثبت و معناداری در کاهش نابرابری به‌طور مستقیم در کشوها دارد ولی تأثیر سرریز فضایی آن معنادار نیست که توسعه مالی با تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی به‌طور مستقیم نابرابر را کاهش می‌دهد. توسعه مالی باعث دسترسی افراد کم‌درآمد به منابع مالی و اعتباری می‌گردد. سیستم مالی کارا می‌تواند سرمایه‌گذاری را به بهترین مسیر هدایت کند. نتایج تحقیق تأثیرات توسعه مالی کارا در کاهش نابرابری را تائید می‌کند که با نتایج (BATUO ET AL, 2010: SEHRAWAT & GIRI, 2016: MAJID ET AL، ۲۰۱۹) مطابقت دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نرخ جمعیت تأثیر منفی و معناداری بر نابرابری دارد. اثرات سرریز فضایی رشد جمعیت مثبت ولی بی‌معنی است به این معنی که تأثیرات رشد جمعیت بر دیگر مناطق تأثیری ندارد. تأثیرات آن درون کشوری است. با افزایش جمعت نیاز به منابع بیشتر می‌شود و این می‌تواند باعث افزایش نابرابری شود. نرخ رشد بالای جمعیت باعث کاهش کیفیت زندگی و استانداردهای آن می‌شود. کاهش نرخ جمعیت و کاهش نسبت‌های وابستگی، فرصتی برای کاهش نابرابری و توسعه است. نتایج پژوهش با نتایج (BIRDSALL ET AL, 2001: DAS & ROY, 2011): SINDING, 2009) مطابقت دارد.

## ۶- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی تأثیر عوامل نهادی بر کاهش نابرابری در کشورهای منتخب آسیا در دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۳ با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی است. نتیجه تحقیق بیان می‌کند توسعه نهادی باعث کاهش نابرابری می‌شود. اثرات سرریز عوامل نهادی (کنترل فساد، ثبات دولت، شاخص دموکراسی) تأثیرات مثبت بر سایر کشورها دارد؛ بنابراین، یک محیط سازمانی بهتر امکان بهره‌برداری از مزایای کامل مرتبط با توسعه نهادی یک کشور را فراهم می‌کند. ازآنجایی‌که پیشرفت به‌سوی توزیع مجدد عادلانه منابع اهمیت دارد، جایی که کیفیت نهادی بهتر، مانند حقوق مالکیت، ثبات دولت، کنترل فساد، دموکراسی در تضمین کاهش نابرابری در بلندمدت برای همان ناحیه و سایر مناطق مؤثر است. به‌طور خاص، زمانی که کیفیت نهادی زیر سطح بهینه است. نهادهای ضعیف فعالیت‌های غیرقانونی را تشویق

می‌کنند و کیفیت نهادی بهتر با نابرابری کمتر مرتبط است، ایجاد نهادهای رسمی به‌تدریج قوی، برابری فرصت‌ها و سرعت توزیع مجدد را بهبود می‌بخشد. ازآنجایی‌که اثر کاهش نابرابری از طریق کیفیت نهادی مثبت است ضروری است که سیاست‌گذاران به‌طورجدی کیفیت عوامل نهادی خود را توسعه دهند تا از کنترل فساد و همچنین استقلال بخش عمومی و حمایت از حاکمیت قانون اطمینان حاصل کنند. اثرات سرریز کیفیت عوامل نهادی می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری در یک منطقه را تسهیل کند یا مانع آن شود. نهادهای قوی و قابل‌اعتماد می‌توانند تجارت بین‌المللی را تسهیل کنند. اطمینان از اجرای قراردادها و پایبندی به قوانین بین‌المللی می‌تواند راه را برای ورود به بازارهای بین‌المللی مناطق مختلف باز کند؛ بنابراین، کیفیت عوامل نهادی در یک منطقه می‌تواند تأثیرات بسیار گسترده‌تری را بر دیگر مناطق، حتی در سطح جهانی، ایجاد کند و در بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیطی نقش مهمی داشته باشد. همه این شرایط می‌تواند در کاهش نابرابری مناطق مؤثر باشد.

نتیجه تحقیق تأثیرات توسعه مالی در کاهش نابرابری را تائید می‌کند. ولی اثرات سرریز فضایی توسعه مالی مثبت ولی بی‌معنی است. دسترسی به منابع مالی، اعتبار و منابع مالی می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای افراد کم‌درآمد و کسب‌وکارهای کوچک فراهم کند که این به‌نوبه خود به کاهش نابرابری اقتصادی منجر می‌شود. توسعه مالی می‌تواند باعث ایجاد و گسترش کسب‌وکارها، افزایش شفافیت و اثربخشی بازارها، افزایش سرمایه‌گذاری در زیر بخش‌های توسعه‌ای شود درنتیجه، توسعه مالی با ایجاد امکانات و فرصت‌های مالی برای افراد کم‌درآمد، افزایش دسترسی به منابع مالی و ترویج فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری اقتصادی ایفا کند.

طبق نتایج تحقیق نرخ رشد جمعیت تأثیرات منفی بر نابرابری درآمدی دارد. اثرات سرریز فضایی آن بی‌معنی است و نرخ رشد جمعیت یک منطقه بر سایر مناطق تأثیرگذار نیست. افزایش نرخ رشد جمعیت به افزایش ازدحام جمعیت و کاهش فضای منابع زندگی منجر می‌شود. این ازدحام به نابرابری در دسترسی به منابع اساسی مانند آب، خدمات بهداشتی و تأسیسات تعلیم و تربیتی منجر می‌شود. نرخ رشد جمعیت بالا می‌تواند فشار زیادی بر سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی وارد کند. این افزایش فشار ممکن است به نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی، تحصیلات و اشتغال منجر شود، زیرا منابع کمتری برای تأمین نیازهای افراد وجود دارد و از موارد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد: کاهش آموزش و بهبود سطح زندگی، افزایش فشار بر زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، افزایش نرخ بیکاری

است با توجه به این موارد، مدیریت و کنترل نرخ رشد جمعیت با توجه به نقاط ضعف مختلف اقتصاد و جوامع، می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری اقتصادی و اجتماعی داشته باشد.

درنتیجه، سیاست‌هایی که به همراه رشد اقتصادی، توسعه نهادی همراه باشند، می‌توانند تأثیرات قابل‌توجهی در کاهش نابرابری در داخل کشورها و سایر مناطق داشته باشند. این سیاست‌ها باید به توسعه دائم، ایجاد فرصت‌های برابر و تسهیل دسترسی به منابع مالی برای افراد محروم توجه کنند. همچنین، توجه به اصلاحات نهادی و ایجاد محیط سرمایه‌گذاری مثبت نقش مهمی در رشد اقتصادی و کاهش نابرابری ایفا می‌کند.

## محدودیت‌های تحقیق

یکی از محدودیت‌های پیش روی این پژوهش نبود اطاعات و آمار مربوط به داده‌ها دانست که ممکن است تا حدودی صحت‌وسقم آن‌ها به دلیل عدم ثبت مناسب و یا دست‌کاری دستخوش تغییراتی باشند که نتایج را تا حدی تحت شعاع قرار دهند. برای داده‌های که کامل نبوده‌اند از میانگین دو سال گذشته آن استفاده‌شده است. کشور افغانستان به دلیل نبود داده‌های کامل از میان کشورها منتخب حذف‌شده همچنین نتایج به‌دست‌آمده مربوط به کشورها موردبررسی است و به سایر کشورها نباید تعمیم داده شود.

## پیشنهادات پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد کیفیت عوامل نهادی تأثیر مثبتی بر کاهش نابرابری دارند اهمیت بالای کیفیت عوامل نهادی را بیان می‌کند که کشورها می‌توانند با افزایش کیفیت عوامل نهادی نابرابری را کاهش دهند.

نتایج تحقیق مشخص می‌کند که افزایش توسعه مالی باعث کاهش نابرابری می‌شود کشورها می‌تواند با برداشتن موانع که بر سر راه دسترسی افراد به منابع مالی و اعتباری و ... وجود دارد باعث کاهش نابرابری شوند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که تأثیرات فضایی بین کشورهای آسیایی به شکل مثبت و معناداری می‌باشد؛ که کشورهای آسیایی می‌توانند با ایجاد اتحادیه‌ها و برگزاری کنفرانس‌های مشترک در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی می‌تواند به تقویت روابط منطقه‌ای بین کشورها کمک نموده و تبادل دانش و تجربیات را تسهیل نماید.

**Acknowledgments**: All the individuals and institutions that assisted the author in conducting this research are appreciated.

**Conflict of Interest**: The authors of the article states that there is no conflict of interest in publishing the presented article.
**Funding**: The authors have not received any financial support for the research, authorship and publication of this article.

## References

Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005). Institutions as a fundamental cause of long-run growth. In P. Aghion & S. N. Durlauf (Eds.), *Handbook of Economic Growth* (Vol. 1, Part A, pp. 385–472). Elsevier. https://doi.org/10.1016/S1574-0684(05)01006-3

Adeleye, B. N., Gershon, O., Ogundipe, A., Owolabi, O., Ogunrinola, I., & Adediran, O. (2020). Comparative investigation of the growth-poverty-inequality trilemma in Sub-Saharan Africa and Latin American and Caribbean countries. *Heliyon*, *6*(12), Article e05751. https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e05751

Ali, O., Darity, W. A., Jr., Janz, A., & Sánchez, M. (2021). The association between wealth inequality and socioeconomic outcomes. *AEA Papers and Proceedings*, *111*, 211–215. https://doi.org/10.1257/pandp.20211049

Alvaredo, F., Assouad, L., & Piketty, T. (2017). *Measuring inequality in the Middle East, 1990–2016: The world's most unequal region* (WID.world Working Paper No. 2017/15). World Inequality Lab.

Andres, A. R., & Ramlogan-Dobson, C. (2011). Is corruption really bad for inequality? Evidence from Latin America. *The Journal of Development Studies*, *47*(7), 959–976. https://doi.org/10.1080/00220388.2010.527949

Appiah-Otoo, I., Chen, X., Song, N., & Dumor, K. (2022). Financial development, institutional improvement, poverty reduction: The multiple challenges in West Africa. *Journal of Policy Modeling*, *44*(6), 1296–1312. https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2022.10.001

Assouad, L., Chancel, L., & Morgan, M. (2018). Extreme inequality: Evidence from Brazil, India, the Middle East, and South Africa. *AEA Papers and Proceedings*, *108*, 119–123. https://doi.org/10.1257/pandp.20181072

Ayubi, S. A. (2021). *The relationship between institutional quality and economic growth in Afghanistan* [Master's thesis, University of Sistan and Baluchestan]. (In Persian)

Azizi, Z., Berari, A., & Ahmadpour Kechu, A. (2021). The effect of institutional quality on financial development (case study: Developing countries in the Eurasian region). *Economic Studies and Policies*, *8*(1), 247–274. (In Persian)

Batuo, M. E., & Asongu, S. A. (2015). The impact of liberalisation policies on income inequality in African countries. *Journal of Economic Studies*, *42*(1), 68–100. https://doi.org/10.1108/JES-07-2013-0098

Behnejad, S. (2017). *The role of institutional conditions in the impact of economic growth on poverty and income inequality* [Master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad]. (In Persian)

Berg, A., Ostry, J. D., Tsangarides, C. G., & Yakhshilikov, Y. (2018). Redistribution, inequality, and growth: New evidence. *Journal of Economic Growth*, *23*(3), 259–305. https://doi.org/10.1007/s10887-017-9150-2

Bobzien, L. (2023). Income inequality and political trust: Do fairness perceptions matter? *Social Indicators Research*, *169*(2), 505–528. https://doi.org/10.1007/s11205-023-03168-9

Brady, D., Blome, A., & Kleider, H. (2016). How politics and institutions shape poverty and inequality. In D. Brady & L. M. Burton (Eds.), *The Oxford Handbook of the Social Science of Poverty* (pp. 117–140). Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199914050.013.7

Chancel, L., & Piketty, T. (2021). Global income inequality, 1820–2020: The persistence and mutation of extreme inequality. *Journal of the European Economic Association*, *19*(6), 3025–3062. https://doi.org/10.1093/jeea/jvab047

Chong, A., & Calderon, C. (2000). Institutional quality and income distribution. *Economic Development and Cultural Change*, *48*(4), 761–786. https://doi.org/10.1086/452478

Chong, A., & Gradstein, M. (2007). Inequality and institutions. *The Review of Economics and Statistics*, *89*(3), 454–465. https://doi.org/10.1162/rest.89.3.454

Coccia, M. (2021). How a good governance of institutions can reduce poverty and inequality in society? In N. Faghih & A. H. Samadi (Eds.), *Legal-Economic Institutions, Entrepreneurship, and Management:*

*Perspectives on the Dynamics of Institutional Change from Emerging Markets* (pp. 65–94). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-60978-8_4

Commission on Growth and Development. (2008). *The growth report: Strategies for sustained growth and inclusive development*. The International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank.

Eunni, R. V. (2010). Institutional environments for entrepreneurship in emerging economies: Brazil vs. Mexico. *World Journal of Management*, *2*(1), 1–18.

Gholizadeh, A., & Alemi, M. (2023). Institutional quality and tax evasion in Iran. *Quarterly Journal of Quantitative Economics(JQE)*, *20*(4), 38–86. https://doi.org/10.22055/jqe.2021.35404.2283 (In Persian)

Gupta, S., Davoodi, H., & Alonso-Terme, R. (1998). *Does corruption affect income inequality and poverty?* (IMF Working Paper No. 98/76). International Monetary Fund.

Hacibedel, B., Mandon, P., Muthoora, P., & Vardy, F. (2024). Inequality, growth fluctuations, and employment. *Empirical Economics*, *66*(2), 587–622. https://doi.org/10.1007/s00181-023-02476-w

Hodgson, G. M. (2006). What are institutions? *Journal of Economic Issues*, *40*(1), 1–25. https://doi.org/10.1080/00220175.2006.10804791

Hosseini, M., Ahmadi Shadmehri, M. T., & Gorjipour, M. J. (2021). Investigating the effect of democracy on the relationship between economic growth and income inequality in Iran. *Quarterly Journal of Quantitative Economics(JQE)*, *18*(1), 1–16. https://doi.org/10.22055/jqe.2020.29003.2058 (In Persian)

Jones, E. L. (1981). *The European miracle: Environments, economies and geopolitics in the history of Europe and Asia*. Cambridge University Press.

Keefer, P., & Knack, S. (1997). Why don't poor countries catch up? A cross-national test of an institutional explanation. *Economic Inquiry*, *35*(3), 590–602. https://doi.org/10.1111/j.1465-7295.1997.tb01935.x

Khodavardi Samani, M., Alizadeh, S., & Shaghaghi Shahri, V. (2025). Spatial spillover of fiscal decentralization on social welfare in Iranian provinces during 1385–1397: A spatial econometric approach. Quarterly Journal of Quantitative Economics, 22(2), 82–124. doi: 10.22055/jqe.2023.40959.2490

Knack, S., & Keefer, P. (1997). Does social capital have an economic payoff? A cross-country investigation. *The Quarterly Journal of Economics*, *112*(4), 1251–1288. https://doi.org/10.1162/003355300555475

Labidi, M. A., Ochi, A., & Saidi, Y. (2022). *Extreme poverty, economic growth and income inequality trilogy in sub-Saharan Africa and South Asia: A GMM panel VAR approach* [Preprint]. Research Square. https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-1393963/v1

Mdingi, K., & Ho, S. Y. (2023). Income inequality and economic growth: An empirical investigation in South Africa. *Cogent Economics & Finance*, *11*(2), Article 2230027. https://doi.org/10.1080/23322039.2023.2230027

Moradi, F., Jafari, M., & Fattahi, S. (2023). The effect of good governance on income inequality in selected developing and developed countries; with emphasis on corruption control. *Quarterly Journal of Quantitative Economics(JQE)*, *20*(3), 110–135. https://doi.org/10.22055/jqe.2021.37420.2374 (In Persian)

Mubarak, A., Hejbar Kiani, K., Mimarnjad, A., & Pikarjo, K. (2017). Studying the effect of institutional quality and human capital on economic growth (case study: Developing and developed countries). *Planning and Budgeting*, *23*(1), 117–146. (In Persian)

Nik Pesian, V., & Shahbazi, K. (2023). Spatial analysis of the effect of terrorism on the attraction of foreign direct investment in the Middle East. *Quarterly Journal of Quantitative Economics(JQE)*, *20*(2), 129–164. https://doi.org/10.22055/jqe.2022.37973.239 (In Persian)

North, D. C. (1981). *Structure and change in economic history*. W. W. Norton & Company.

Ongo Nkoa, B. E., & Song, J. S. (2022). Does institutional quality increase inequalities in Africa? *Journal of the Knowledge Economy*, *13*(3), 1896–1927. https://doi.org/10.1007/s13132-021-00771-4

Ostry, J. D., Loungani, P., & Berg, A. (2018). *Confronting inequality: How societies can choose inclusive growth*. Columbia University Press.

Ouechtati, I. (2023). Financial inclusion, institutional quality, and inequality: An empirical analysis. *Journal of the Knowledge Economy*, *14*(1), 620–644. https://doi.org/10.1007/s13132-022-00909-y

Panagariya, A. (2010). Sortir de la pauvreté. *Finances & Développement*, *47*(3), 22–23.

Perotti, R. (1996). Growth, income distribution, and democracy: What the data say. *Journal of Economic Growth*, *1*(2), 149–187. https://doi.org/10.1007/BF00138861

Pirzadi, M., Soufi Majidpour, M., & Mahmoudzadeh, M. (2024). Local effects and spatial spillovers of financial inclusion on income inequality: An interprovincial analysis. Quarterly Journal of Quantitative Economics. doi: 10.22055/jqe.2019.26401.1899.

Rodrik, D. (2007). *Industrial development: Some stylized facts and policy directions*. Department for International Development.

Sawadogo, R., & Semedo, G. (2021). Financial inclusion, income inequality, and institutions in sub-Saharan Africa: Identifying cross-country inequality regimes. *International Economics*, *167*, 15–28. https://doi.org/10.1016/j.inteco.2021.05.002

Szczepaniak, M., Geise, A., & Bariyah, N. (2022). Impact of institutional determinants on income inequalities in Indonesia during the Era Reformasi. *Journal of Asian Economics*, *82*, Article 101526. https://doi.org/10.1016/j.asieco.2022.101526

Tebaldi, E., & Mohan, R. (2010). Institutions and poverty. *The Journal of Development Studies*, *46*(6), 1047–1066. https://doi.org/10.1080/00220380903012730

Uzar, U. (2023). Income inequality, institutions, and freedom of the press: Potential mechanisms and evidence. *Sustainability*, *15*(17), Article 12927. https://doi.org/10.3390/su151712927

Williams, C. C., & Schneider, F. (2016). *Measuring the global shadow economy: The prevalence of informal work and labour*. Edward Elgar Publishing.

World Bank. (2023). *World Bank annual report 2023: A new era in development*. World Bank Group. https://doi.org/10.1596/978-1-4648-2022-9

Zhang, R., & Naceur, S. B. (2019). Financial development, inequality, and poverty: Some international evidence. *International Review of Economics & Finance*, *61*, 1–16. https://doi.org/10.1016/j.iref.2018.12.015